

دلایل عدم تحریف قرآن

پیش از پرداختن به پاسخ، لازم است مراد از «تحریف در قرآن» روشن شود. قرآن پژوهان و مفسران برای تحریف تا هفت معنا برشمرده‌اند، اما معنایی که مرکز گفت و گو شده، عبارت است از: پدید آمدن هرگونه زیاده یا کاستی در متن قرآن موجود. تحریف به زیاده، معتقدان چندانی ندارد و تقریباً نظریه‌ای متروک است. بیش‌تر بحث در دایره تحریف به کاستی و نقصان در قرآن مطرح است که اکثر دانشمندان مسلمان – اعم از شیعه و سنی – با ردّ هرگونه ادعای تحریف این گونه در قرآن، به دلایل زیادی استناد کرده‌اند تا پیراستگی ساحت قرآن مجید را از هرگونه دخل و تصرف به اثبات برسانند. قرآن کریم معجزه جاویدان، و سند رسالت حضرت محمد(ص) است.

این کتاب آسمانی ویژگی‌ها و امتیازاتی دارد، از جمله این که از آغاز نزول تا کنون از تحریف مصون مانده، و قرآن فعلی بدون کم و زیاد همان قرآنی است که بر پیامبر نازل شده، چرا که حافظ و پاسدار قرآن، خدای قادر و توانا است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ ما قرآن را نازل کردیم و ما خود نگهدار آن خواهیم بود».

در این آیه خدا خویشتن را ضامن نگهداری قرآن معرفی کرده است. از این جا معلوم می شود که اگر جن و انس و تمام قدرت‌ها بر ایجاد تحریف در قرآن متحد شوند، هیچ کاری از پیش نخواهند برد. از این رو خدا فرمود: «همانا این قرآن، کتابی نفوذناپذیر است که نه از پیش رو و نه از پس، باطل به آن راه ندارد و از جانب خداوند حکیم و ستودنی نازل گشته است».

دلایل عدم تحریف قرآن

۱. گذشته از دلایل قرآن که در بالا نمونه‌هایی از آن اشاره شد، عدم تحریف قرآن دلایل دیگری نیز دارد. از جمله:

۱. گواهی تاریخ

بنا به گواهی غیر قابل تردید تاریخ، امکان تحریف و دستکاری قرآن وجود نداشته؛ زیرا قرآن کتابی است که از روز اول مورد عنایت و اهتمام مسلمانان بوده است. قرآن برای مسلمانان همه چیز بوده است: قانون اساسی، دستور عمل زندگی، برنامه حکومت، کتاب مقدس آسمانی و رمز عبادت و بندگی. قرآن کتابی بود

که مسلمانان همواره در نماز و مسجد و خانه و میدان جنگ، به هنگام رو به رو شدن با دشمنان و به عنوان استدلال بر حقانیت مکتب، از آن استفاده می کردند.

از تواریخ اسلامی استفاده می شود که تعلیم قرآن را مهر زنان قرار می دادند. اصولاً تنها کتابی که در همه محافل مطرح بود و هر فردی را از آغاز عمر با آن آشنا می کردند و هر کس می خواست درسی از اسلام بخواند، آن را به او تعلیم می دادند، قرآن مجید بود.

با توجه به این که قرآن به صورت یک مجموعه، با همین شکل فعلی در عصر پیامبر جمع آوری شده بود، و مسلمانان سخت به یادگرفتن و حفظ آن اهمیت می دادند. اصولاً شخصیت افراد در آن عصر تا حد زیادی به این شناخته می شد که چه اندازه از آیات را حفظ کرده باشند. شمار حافظان قرآن به اندازه ای زیاد بود که در تواریخ می خوانیم در یکی از جنگ‌ها که زمان ابوبکر واقع شد، چهارصد نفر از قاریان قرآن به قتل رسیدند. در داستان "بئر معونه" (یکی از آبادی‌های نزدیک مدینه) و جنگی که در آن منطقه در زمان حیات پیامبر(ص) اتفاق افتاد، می خوانیم که جمع کثیری از قاریان در حدود هفتاد نفر شربت شهادت نوشیدند.

از این مطالب روشن می شود که حافظان و قاریان و معلّمان قرآن آن قدر زیاد بودند که تنها در یک جنگ این تعداد شهید شدند، چرا که قرآن فقط قانون اساسی برای مسلمانان نبود، بلکه همه چیز آن‌ها بود، مخصوصاً در آغاز اسلام که هیچ کتابی جز آن نداشتند و تلاوت و قرائت و حفظ و تعلیم و تعلّم مخصوص قرآن بود. قرآن یک کتاب متروک در گوشه خانه و یا مسجد که گرد و غبار فراموشی روی آن نشسته باشد نبود تا کسی از آن کم کند یا بر آن بیفزاید.

حفظ قرآن به عنوان یک سنت و عبادت بزرگ همیشه میان مسلمانان مطرح بوده و هست، نیز بعد از پیدا شدن صنعت چاپ که سبب شد این کتاب به عنوان پرتیراژترین کتاب در کشورهای اسلامی چاپ و نشر گردد، باز حفظ قرآن به عنوان یک سنت دیرینه و افتخار بزرگ، موقعیت خود را حفظ کرد، به طوری که در هر شهر و دیار همیشه جمعی حافظ قرآن بوده و هستند. اکنون در بعضی کشورهای اسلامی مدرسه‌هایی وجود دارد که برنامه شاگردان آن در درجه اول حفظ قرآن است. سنت حفظ قرآن از عصر پیامبر(ص) و به دستور و تأکید آن حضرت در تمام قرون ادامه داشته است. هم چنین سنت قرائت قرآن در شب‌ها و روزهای متعدد و ثواب بسیاری که برای قرائت ذکر شده است. با چنین وضعی اصولاً تحریف قرآن امکان پذیر نبوده است.

۲. وجود کاتبان وحی: علاوه بر همه، پدیده نویسندگان وحی نباید فراموش شود، یعنی کسانی که بعد از نزول آیات بر پیامبر آن‌ها را یادداشت می کردند. شمار حافظان را از چهارده تا چهل و سه نفر نوشته اند.

بنا به نقل ابوعبدالله زنجانی در کتاب "تاریخ قرآن" پیامبر(ص) نویسندگان متعددی داشت که وحی را یادداشت می کردند و آن‌ها چهل و سه نفر بودند که بیش از همه "زید بن ثابت" و امیر مؤمنان علی بن ابی طالب(ع) در امر کتابت قرآن ملازم پیامبر در این رابطه بودند.

آنها در برخی موارد آنچه را که نوشته بودند، برای پیامبر می خواندند تا هر گونه اشتباه احتمالی رفع شود. کتابی که این همه نویسنده داشته، چگونه ممکن است تحریف شود؟

۳. دعوت همه پیشوایان اسلام به قرآن موجود:

بررسی کلمات پیشوایان بزرگ اسلام نشان می دهد که ایشان از آغاز اسلام، مردم را به تلاوت و عمل به قرآن موجود دعوت می کردند، و این ثابت می کند که کتاب آسمانی به صورت یک مجموعه دست نخورده در همه قرون، از جمله قرون نخستین اسلام موجود بوده است.

مولای متقیان علی(ع) بعد از رسیدن به خلافت هیچ اشاره ای به کم یا زیاد شدن قرآن نفرمود؛ نه تنها این کار را نکرد، بلکه بارها مردم را به عمل و چنگ زدن به قرآن موجود دعوت نمود. اگر کم و زیادی در قرآن پیش آمده بود، مسلماً آن حضرت قرآن اصلی را بر مردم عرضه می نمود.

۴. خاتمیت:

پس از قبول خاتمیت پیامبر(ص) و این که اسلام آخرین آیین الهی است، و رسالت قرآن تا پایان جهان برقرار خواهد بود، چگونه می توان باور کرد که خدا این یگانه سند اسلام و پیامبر را پاسداری نکند؟

چون یکی از دلایل نبوت‌های تازه، تحریف کتاب آسمانی بوده است و اگر تحریف در قرآن صورت گرفته بود، باید پیامبری از طرف خداوند برای اصلاح می آمد، در حالی پیامبر اسلام، خاتم پیامبران شناخته شده است.

با توجه به این دلایل و دلایل دیگر که در کتاب‌های علوم قرآنی نوشته شده است، علما و دانشمندان و مفسران اسلامی، با قاطعیت تمام، تحریف قرآن را رد کرده و معتقد شده‌اند که قرآن مجید به هیچ وجه تحریف نشده و نخواهد شد.

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: «یکی از ضروریات تاریخ اسلام این است که در ۱۴ قرن قبل، محمد(ص) مبعوث به نبوت شده، کتابی آورده که آن را قرآن نامیده، در طول حیاتش مردم را به آن شریعت دعوت کرده، نیز از مسلمات تاریخ است که با همین قرآن تحدی کرده و آن را معجزه نبوت خود خوانده، نیز هیچ حرفی نیست که قرآن موجود همان قرآنی است که او آورده و برای بیشتر مردم معاصر خودش قرائت کرده است.»

امام خمینی(ره) می فرماید: «هر کس از اهتمام مسلمانان به جمع آوری قرآن و حفظ و ضبط قرائت و کتابت آن با خبر باشد، به سستی و بطلان پندار تحریف پی می برد. اخباری که اهل تحریف به آن تمسک جسته اند، چنان ضعیف است که نمی توان بدان استدلال نمود، یا اخباری جعلی بوده که نشانه‌های جعل از سر و روی آن می بارد، و یا مفهوم آن به قدری بیگانه و دور از واقعیت است که نمی توان به آن اعتنا کرد».

تحریف آن به معنای افزودن چیزی بر قرآن، میان مسلمانان هیچ گوینده‌ای ندارد، اما تحریف به معنای کاستن از آیات، تنها برخی از علما بدان معتقد بودند. این را هم علمای شیعه و سنی جواب قاطع داده اند، تا جایی که مرحوم شیخ صدوق عقیده بر «مصونیت قرآن از تحریف» را از اصول شیعه دانسته و می فرماید: «اعتقاد ما این است: قرآنی که خدا بر حضرت محمد(ص) نازل فرمود، همان است که در یک مجلد و در دسترس همه مردم قرار دارد. هر کس به ما نسبت دهد که می‌گوییم قرآن بیش از این است، مسلماً دروغگو می باشد».